

سیاست‌های راهبردی در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر رویه قضایی بین‌المللی

علی فقیه حبیبی*

چکیده

محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد. امروزه مردم در سراسر جهان در برابر محیط زیست احساس مسؤلیت بیشتری می‌کنند و از دولت‌ها، مالکین صنایع تولیدی، نهادها و مؤسسات مالی درخواست دارند تا سیاست‌های خود را بر مبنای حفاظت از محیط زیست تنظیم کنند. فاجعه‌های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می‌دهد، اغلب حاصل فعالیت‌هایی است که بشر به‌ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرآیند صنعتی شدن، به آنها دست یازیده و مآلاً باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. ابعاد بحران زیست محیطی که انسان امروز با آن دست در گریبان است به‌قدری گسترده و حتی مخوف است که آدمیان احساس می‌کنند برای حفظ حق حیات خود در مقابل ماشین‌ها و کارخانه‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه دست به دامان قضات و محاکم بشوند و بقای بشر بر روی این کره خاکی بستگی تمام به حفاظت از محیط زیست دارد، حفاظت از محیط زیست نیز برای همه کشورها دغدغه است. این پژوهش به بررسی حفاظت از محیط زیست در رویه قضایی بین‌المللی می‌پردازد. روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های راهبردی، محیط زیست، حفاظت، رویه قضایی بین‌المللی.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب.

faghih.habibi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

۱. مقدمه

خوشبختانه در سالهای اخیر موج آگاهیهای مربوط به اهمیت محیط زیست، پهنه کشورهای در حال توسعه را نیز فرا گرفته و در کنار سازمانهای دولتی یاد شده، مردم آن کشورها هم منفرداً یا مجتمعاً در راه پاسداری از سلامت محیط زیست و جلوگیری از فعالیتهای مخرب آن، تلاش می‌کنند. اما بدیهی است که در یک روند مسالمت آمیز، به ثمر نشستن این تلاشها صرفاً در گرو همکاری محاکم دادگستری خواهد بود. به عبارت دیگر، با قاطعیت می‌توان گفت که بدون همراهی قوه قضاییه، فعالیت‌های سازمانهای دولتی و غیر دولتی محافظ محیط زیست، ثمربخش نخواهد بود.

بر همین اساس در شب برپایی اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) در سال ۲۰۰۲ میلادی، «گردهمایی جهانی قضات» متشکل از ۲۱ قاضی ارشد از بیش از ۶۶ کشور جهان (که ۲۳ تن از آنان قاضی القضاة کشورهایشان بودند)، را شاهد بودیم تا نقش قوه قضاییه را برای بهبودی بخشیدن به حکومت قانون در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست، به بحث گذارند. حاصل نشست مذکور، تأیید و تأکید همه شرکت کنندگان بر نقش اساسی قوه قضاییه در حفاظت از محیط زیست بود که می‌تواند از طریق تفسیر، توسعه، الزام و اجرای قوانین محیط زیست، با توجه به مفهوم «توسعه پایدار»، ایفا شود.

توسعه پایدار، شکلی از توسعه یا پیشرفت است که موجب برآوردن نیازهای نسل فعلی بشر شود بدون آن که به توانایی نسلهای بعدی در تأمین نیازهای خود در این کره خاکی، لطمه زند.

اگر بخواهیم حداقل در بین کشورهای در حال توسعه، که ایران نیز در همین گروه جای دارد، به معرفی نمونه‌ای از یک نظام قضایی پیردازیم که با رویه‌ای که ایجاد کرده، نقش چشمگیری در حفاظت از محیط زیست، نقش چشمگیر و ابتکاری داشته، با اطمینان می‌توان از قوه قضاییه هند نام برد. در ادامه مقاله به تحلیل و تبیین برخی از فرازهای این نقش می‌پردازیم، به امید آن که شاهد ایفای نقش فعالتری از سوی قوه قضاییه کشورمان نیز در این خصوص به ویژه با توجه به مسائل پیش آمده اخیر در مورد آلودگی هوای تهران و برخی دیگر از کلانشهرهای ایران، که بار دیگر اهمیت و ضرورت بکارگیری از تمامی تمهیدات تشویقی را در حفاظت از محیط زیست یادآور شد، باشیم.

۲. مبانی نظری

محیط زیست عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فراگرفته و با آن بر هم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی، و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند، تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیستکره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد.

محیط زیست از آب، هوا، خاک، انرژی و موجودات زنده تشکیل شده است. پایه‌های شناسایی این محیط زندگی، علوم فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، ریاضی و فنی و مهندسی هستند

اگر چهار مولفه تشکیل دهنده زیست محیط یعنی هوا، آب، خاک و صوت را به خاطر اهمیت آنها در روند زندگی موجودات زنده به خصوص انسان مؤکداً مورد بررسی قرار داده و به مخاطرات و آلودگی‌های این چند پارامتر پردازیم قطعاً به بیراهه نرفته‌ایم. به طور کلی، آلودگی عبارتست از هر گونه تغییر در ویژگی‌های اجزای تشکیل دهنده محیط، به طوری که استفاده پیشین از آنها ناممکن شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد. آلاینده‌ها معمولاً در اثر فعالیت انسان پدید آمده و همراهان دائمی جوامع پیشرفته بشری می‌باشند. افزایش جمعیت، درآمد سرانه، پیشرفت فن آوری و بالابردن استاندارد زندگی از عوامل مهم افزایش آلاینده‌های محیط زیست به حساب می‌آیند (دبیری، ۱۳۷۵: ۶-۹)

بحث در مورد روابط انسان و طبیعت یک بحث قدیمی است. آیا انسان برای این خلق شده است که بر طبیعت غلبه کند، آقا و صاحب آن شود یا اینکه به دلیل جنگ علیه طبیعت، دیوانه است. مدت‌های مدیدی چنین می‌اندیشیدند که طبیعت با نیروی فوق‌العاده تصفیه‌کننده و تنظیم‌کننده‌اش، تعرضات انسان را هضم خواهد کرد و کشفیات علمی زیانهای احتمالی پیشرفت را خنثی خواهد نمود، جهان افسار گسیخته است. جمعیت، جنگل‌زدایی و مصرف انرژی با خطر برهم زدن نظم موزون و شگفت‌انگیز مکانیزم جهان، سرعت می‌گیرند. یک سرود محلی فرانسوی چنین می‌گوید: آسیابان تو در خوابی، آسیابت خیلی تند می‌چرخد.

تشدید مشکلات زیست محیطی از سال ۱۹۷۰ میلادی، متخصصین سازمان ملل متحد را وادار کرد که فعالیت گسترده‌ای را با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی انجام دهند، بطوریکه ابتدا در سال ۱۹۷۲ کنفرانسی با عنوان «انسان و محیط زیست» در استکهلم سوئد و بعد در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل با عنوان «سران

زمین» برپا گردید. اولین اصل بیانیه ریو چنین بود: «انسان محور اصلی توسعه پایدار و شایسته برخوردار از زندگی سالم، پر بار و هماهنگ با طبیعت است» و اصل ۲۵ این بیانیه به صراحت چنین می‌گوید: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست لازم و ملزوم. در راستای کمک به حفظ محیط زیست کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی از جمله کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن، کنوانسیون تغییرات آب و هوا و کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله همکاری در برابر آلودگی نفتی. ... به اعضای اکثر ممالک دنیا رسیده است که تقریباً در تمامی آنها جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد. با همه این ضوابط بین‌المللی و تلاشهای دفتر برنامه ریزی محیط زیست ملل متحد (UNEP)، جهان نه تنها قادر به کاهش اثرات مخرب انسانی بر محیط زیست در چند سال گذشته نبوده است بلکه مسائل حاد جدیدی مانند آلودگی شدید جو، کاهش تنوع زیستی، تخریب لایه ازن، پدیده گلخانه‌ای گرم شدن کره زمین و بروز تغییرات جدی در سیستم‌های اقلیمی نیز به مشکلات پیشین افزوده شده است (ثابتی، ۱۳۸۰: ۹-۱۴)

۳. عوامل مخرب محیط زیست

برای شناخت عوامل مخرب محیط زیست از دو منظر می‌توان به آن نگاه کرد، یکی عوامل مخرب در شهرها و کالن شهرها و دیگری در روستاها که قائلاناً این عوامل می‌توانند هم در شهرها و هم روستاها وجود داشته باشند، اما در همه جای کشور این قاعده نمی‌تواند فراگیر و یکسان باشد. بنابراین عوامل مخرب محیط زیست به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. افزایش جمعیت، ۲. توسعه شهرها و حاشیه نشینی، ۳. کاهش منابع طبیعی، ۴. کاهش منابع آب شیرین و افت آبهای زیرزمینی، ۵. جنگل‌زادایی و تخریب مراتع، ۶. افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، ۷. فرسایش خاک و نابودی زمین‌های زراعی، ۸. بیابان‌زایی و تخریب خاک، ۹. اسیدی و قلیایی شدن خاک‌های حاصلخیز، ۱۰. افزایش پسماندها و فاضالب‌ها، ۱۱. فرسایش محیط زیست دریایی، ۱۲. کاهش تنوع زیستی، ۱۳. استفاده بی‌رویه از سموم و کودهای شیمیایی، ۱۴. نابودی منابع ژنتیکی، ۱۵. اثر گازه‌های گلخانه‌ای، ۱۶. تخریب الیه ازن، ۱۷. افزایش سطح آب دریا (حاجی شاه کرم،

(۱۳۹۱: ۱۲)

۴. قضایای گسترش‌دهنده دامنه حفاظت از محیط زیست

در این مرحله قضایایی مطرح می‌شود که دامنه حفاظت از محیط زیست را توسعه دادند؛ قضایایی که نه فقط آن اصلی را که در قضیه کانال کورفو اظهار کرده بود (هر دولتی متعهد است اجازه ندهد آگاهانه سرزمین‌اش برای اعمالی بر خلاف حقوق سایر دولت‌ها استفاده شود) مجدداً تصدیق می‌کند و به طور خاص آن را در مورد حقوق بین الملل محیط زیست اعمال می‌کند، بلکه برای حمایت بیش‌تر از محیط زیست، حمایت یاد شده را بخشی از حقوق بین الملل عرفی معرفی می‌نماید.

دیوان بین المللی دادگستری، در نظریه مشورتی خود در پاسخ به سؤال مجمع عمومی در خصوص مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)، تعهدی را که در قضیه بارسلونا تراکشن خاطر نشان کرده بود، نسبت به احترام به محیط زیست و حفاظت از آن اظهار داشت: دیوان به این مسأله توجه ندارد که به صرف تعهد یک دولت به حمایت از محیط زیست، آیا معاهدات مطروحه می‌توانند یک دولت را از اعمال حق دفاع مشروع بر اساس حقوق بین الملل منع کنند به هر حال وجود تعهد کلی دولت‌ها به تضمین این که فعالیت‌های درون صلاحیت یا کنترل‌شان به محیط زیست دیگر دولت‌ها یا محیط زیست مناطق ماوراء صلاحیت ملی احترام می‌گذارد، اکنون بخشی از مجموعه حقوق بین الملل در رابطه با محیط زیست است. دولت‌ها باید ملاحظات محیط زیستی را در ارزیابی ضرورت و تناسب هنگام تعقیب اهداف نظامی در نظر داشته باشند. احترام به محیط زیست یکی از عناصری است که در ارزیابی مطابقت حمله با اصول ضرورت و تناسب اهمیت دارد. (Legality of the use by a state

(of Nuclear Weapons in Armed Conflicts, 1996: 15

در این قضیه، دیوان به طور خاص پذیرفته است تعهد به احترام و حمایت از محیط زیست، تعهدی در مقابل کل جامعه بشری محسوب می‌شود و برای محیط زیست به طور ذاتی ارزش قائل شده است. به بیان دیگر دیوان هرچند علیرغم میلش فرصت بیان این تعهد و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست را در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۷۴ از دست داد و موفق نشد اعلام کند تعهد به حمایت از محیط زیست، تعهدی در مقابل کل جامعه بین المللی است، اعم از این که به دولت دیگر خسارت وارد گردد یا خیر، اما با استفاده از موقعیت به دست آمده در نظریه مشورتی یاد شده، هر چند دیر هنگام و بعد از تصویب اسناد بین المللی در این زمینه، این تعهد را بخشی از مجموعه حقوق بین الملل حاکم بر محیط زیست دانست. به دیگر سخن در این رأی با

قاطعیت، آن مفهوم مضیق حمایت از محیط زیست که به طور صریح در داوری تریل اسملتر و به طور ضمنی در قضیه کورفو پذیرفته گردید، شکسته شد و دیگر تعهد به احترام و حفاظت از محیط زیست مشروط به ورود خسارت به محیط زیست دولت دیگر نشد.

قاضی ویرامانتریر خلاف نظر دیوان که کاربرد سلاح هسته‌ای را تحت شرایطی از جمله رعایت اصل تناسب و ضرورت مجاز می‌داند، در نظریه مخالف خود با اتخاذ دیدگاهی پیشرفته عقیده دارد، کاربرد سلاح هسته‌ای اصول حقوق محیط زیست را نقض می‌کند و در نتیجه مجاز نیست. وی در ادامه نظر خود برخی از اصول پیشرفته حقوق بین الملل محیط زیست را بر می‌شمارد: اصل تساوی بین نسل‌ها، اصل میراث مشترک بشریت، اصل اتخاذ تدابیر احتیاطی نسبت به محیط زیست، اصل امانت داری منابع زمین و در نهایت اصل بار اثبات خطر آفرین نبودن اقدام برای محیط زیست، بر دوش اقدام کننده است. وی هم چنین اعلام می‌دارد اعتبار این اصول حقوق محیط زیست بر حسب مقررات عهدنامه‌ای نیست، بلکه آن‌ها بخشی از حقوق بین الملل عرفی و بخشی از نیاز اساسی برای بقاء نسل بشر هستند. (Legality of the use by a state of

(Nuclear Weapons in Armed Conflicts, 1996: 15)

نکته شایان توجه، برقراری ارتباط بین حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بین الملل بشردوستانه به وسیله اصل تناسب و ضرورت حمله در این قضیه است. طبق نظر دیوان، محیط زیست طبیعی را نمی‌توان هدف حمله نظامی قرار داد، مگر این که در موردی خاص تخریب محیط زیست دارای مزیت نظامی مستقیم باشد که البته این نادر است. هم چنین حمله نباید سبب ورود خساراتی به محیط زیست گردد، که بر اساس اصل تناسب، آن حمله دارای مزیت نظامی مستقیم نبوده است

و این قاعده هم در مورد حمله به وسیله تسلیحات هسته‌ای و هم تسلیحات متعارف که ممکن است موجب خسارت محیط زیست گردد، رعایت می‌شود.

لازم به ذکر است در آگوست ۱۹۹۳ سازمان بهداشت جهانی از دیوان تقاضای نظر مشورتی نمود که یکی از عناصر آن را مسائل مربوط به محیط زیست تشکیل می‌داد. سؤال سازمان بهداشت جهانی از دیوان چنین بود: آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت در جنگ یا دیگر مخاصمات مسلحانه، با توجه به آثار بهداشتی و محیط زیستی، نقض تعهدات آن دولت ناشی از حقوق بین الملل از جمله اساس نامه سازمان بهداشت جهانی تلقی می‌شود.

دیوان هم سو با نظر قدرت‌های دارای سلاح هسته‌ای در پاسخ اعلام کرد موضوع سؤال مطروحه خارج از چارچوب صلاحیت و اختیارات سازمان بهداشت جهانی است. مشاور حقوقی سازمان بهداشت جهانی در رابطه با صلاحیت این سازمان اظهار کرد: مساله بهداشت و آثار زیست محیطی مرتبط با بهداشت ناشی از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای دقیقاً در چارچوب اختیارات سازمان بهداشت جهانی به عنوان یک آژانس تخصصی قرار دارد. این مساله که آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت مغایر اهداف سازمان و در نتیجه نقض اساس نامه آن است، نیز در چارچوب صلاحیت سازمان قرار دارد، اما مساله مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب اختیارات این سازمان نیست. به نظر می‌رسد هرچند دیوان توانست با صدور رأی مشورتی خود در خصوص مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در پاسخ به سؤال مجمع عمومی، تا حدود زیادی مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست را گوشزد کند، اما با حفظ این فرصت طلایی، می‌توانست به نحوی مطلوب‌تر و با فراغ بال بیش‌تر قواعد موجود را تثبیت، هنجارهای جدید حقوق بین‌الملل محیط زیست را اعلام کند و با مو شکافی دقیق، به تحلیل محتوای آن‌ها پردازد.

(Legality of the use by a state of Nuclear Weapons in Armed Conflicts, 1996: 15)

در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه دیوان قبل از رد دادخواست نیوزیلند مبنی بر این که آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه موجب خسارت بر محیط زیست خواهد شد، اعلام کرد رد دادخواست به تعهد دولت‌ها از جمله نیوزیلند و فرانسه به احترام و حفاظت از محیط زیست طبیعی لطمه‌ای نمی‌زند. این عبارت، تعهد همه دولت‌ها را صرف‌نظر از این که عضو معاهده خاصی راجع به حمایت از محیط زیست باشند یا خیر، بیان می‌کند.

در قضیه پروژه گابچیکوو- ناگیماروس ۱۹۹۷ (اختلاف مجارستان و اسلواکی) دیوان اعلام کرد مجارستان حق دارد نگران محیط زیست طبیعی خود به عنوان یک منفعت اساسی باشد که متأثر از پروژه گابچیکوو- ناگیماروس است. دیوان اظهار می‌کند از زمان تصویب عهدنامه ۱۹۷۷ (معاهده در مورد اجرای پروژه بین مجارستان و چکسلواکی) قواعد آمره جدیدی در حقوق محیط زیست پدیدار گشته‌اند و طرفین باید با توجه به این هنجارهای جدید اقدام به اجرای معاهده کنند و این هنجارها را با معاهده در هنگام اجرای آن ادغام نمایند. طرفین هنگام اجرای تعهدات معاهده‌ای خود در خصوص بررسی کیفیت آب رودخانه دانوب و حفاظت از طبیعت، قواعد آمره

جدید را نیز مدنظر داشته باشند. (Case Concerning Gabčíkovo - Nagymaros)
(Project, 1997: 25)

در این قضیه دیوان اولاً محیط زیست طبیعی را به عنوان بخشی از منافع اساسی یک کشور قلمداد می‌کند، هم چنین از قواعد توسعه یافته و هنجارهای آمره جدید حقوق محیط زیست در خصوص اجرای معاهده ۱۹۷۷ سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد اجرای معاهده باید با توجه به قواعد آمره صورت گیرد، ثالثاً دیوان در تأیید این نظر خود که منافع محیط زیست ممکن است منتهی به منافع اساسی یک کشور گردد، به نظر مشورتی راجع به مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ اشاره می‌کند. به این بیان که تعهد کلی دولت‌ها نسبت به احترام و حفاظت از محیط زیست، همانند محیط زیست دارای مبنایی اساسی است. در نتیجه می‌توان به این برداشت رسید که دیوان برای حفاظت از محیط زیست ریشه‌ای عرفی قائل است.

در این قضیه دیوان بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست با عبارات ذیل ارتباط برقرار کرد: هنجارها و استانداردهای جدید حقوق بین الملل محیط زیست را باید هم در هنگامی که دولت‌ها قصد انجام فعالیت‌های جدید دارند، لحاظ شوند و هم در هنگام استمرار فعالیتی که در گذشته آغاز گشته است

لزوم سازش بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست در مفهوم توسعه پایدار نهفته است. به عبارت دیگر دولتی که قصد انجام عملیات اقتصادی و توسعه دارد، در ابتدا باید قواعد آمره موجود را لحاظ کند و اگر در حین اجرای فعالیت اقتصادی قاعده آمره جدیدی ظاهر گشت، در اجرای آن فعالیت باید قاعده آمره جدید را مدنظر قرار داد.

قاضی ویرامانتری در نظریه مخالف خود در این پرونده، قائل به سلسله مراتب بین قواعد در مورد محیط زیست و حقوق توسعه است (حق بر توسعه مشروط به حفاظت از محیط زیست و عدم خسارت به آن است)، وی هم چنین حمایت از محیط زیست را در زمره حقوق بشر قلمداد می‌کند و در نهایت بیان می‌کند دولت‌ها قبل از انجام هر فعالیتی نسبت به ارزیابی آثار فعالیت‌های خود بر محیط زیست دارای تکلیف هستند. از نظر وی حق بر توسعه نمی‌تواند تا آن جا ادامه یابد که موجب خسارت اساسی محیط زیست گردد. حق بر توسعه به طور مطلق وجود ندارد، بلکه همیشه غلبه با مقررات محیط زیست است. قبل از انعقاد معاهده نیز وظیفه بررسی آثار فعالیت‌های مربوطه بر محیط زیست، بر عهده طرفین است، به علاوه طی اجرای پروژه مربوطه نیز باید آثار آن

پروژه بر محیط زیست مورد بررسی قرار گیرد. حق بر محیط زیست در زمره حقوق بشر است و معاهداتی که بر حقوق بشر اثر دارند را نمی‌توان به شیوه‌ای اجرا کرد که موجب انکار و نادیده گرفتن حقوق بشر شود، آن چنان که در هنگام اجرای معاهده موجودند. نمی‌توان معاهده‌ای را که در زمان اجرای آن، ناقض حقوق بشر تلقی می‌شود، با این دلیل که در زمان تصویبش مغایر حقوق بشر نبوده است، مورد تأیید قرار داد و معتبر دانست.

در دیگر نظریه مخالف خود در قضیه کاسیکیلی سدودو ۱۹۹۹، قاضی ویرامانتری معتقد است در تعیین حدود مرزی دریایی نیز باید موضوع حفاظت از محیط زیست و مصلحت اکوسیستم لحاظ شود و حتی در صورت لزوم حمایت از اکوسیستم می‌توان از خط مرزی هندسی ترسیم شده توسط معاهده، انحراف پیدا کرد و راه‌حل دیگری را اتخاذ نمود. (Case concerning Kasilili/Sedudu Island, 1999: 11)

با توجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به موضوع محیط زیست پرداخته‌اند، این نتیجه حاصل می‌گردد که آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی به ویژه آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری تا سال (۱۹۹۷) رهیافت سنتی خود را مبنی بر ترجیح حاکمیت ملی دولت‌ها به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل عمومی حفظ نمود و به نظر می‌رسد که به مباحث حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی تردیدآمیز برخورد نموده است و دیوان بین‌المللی دادگستری با اتخاذ چنین روشی فرصت‌های لازم را برای حاکمیت و اقتدار محیط زیست در دعاوی بین‌المللی از دست داده است. برای مثال در قضیه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه با تهدید و به کارگیری سلاح هسته‌ای (۱۹۹۶) و هم چنین در پرونده شکایت استرالیا و نیوزلند علیه فرانسه (۱۹۷۴)، نگاه محافظه کارانه دیوان بر قضایای مذکور هم چنان وجود داشت. در پرونده (۱۹۹۷) گابچیکوو- ناگیماروس نیز دیوان در خصوص این که آیا تخریب محیط‌زیست امروزه به عنوان نقض قواعد آمره بین‌المللی مدنظر می‌باشد یا خیر به دیده تردید نگریسته، در حالی که در کنوانسیون (۱۹۹۷) نیویورک درباره بهره برداری از آبراهه‌های بین‌المللی در مقاصد غیر کشتیرانی و در اساس نامه رم (۱۹۹۸) درباره تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به مسأله تخریب محیط‌زیست در مقیاس وسیع به عنوان نقض قواعد آمره بین‌المللی توجه شده و این نشان‌دهنده آن است که در بررسی نهایی، معاهدات

بین‌المللی بر رویه‌های قضایی بین‌المللی در تکامل و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تقدم دارند.

با این حال، به نظر می‌رسد دیوان به تدریج از رهیافت سنتی خود مبنی بر ارجحیت حاکمیت دولت‌ها، خارج شده و هنوز برای قضاوت در رابطه با این که آراء دیوان بین‌المللی دادگستری تا چه حد می‌تواند به اقتدار محیط‌زیست بیانجامد، نیازمند زمان است.

ب- تحلیل‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که به جز چند مورد خاص مانند قضیه تریل اسملتر، سایر آراء صادره از محاکم بین‌المللی نقش چندانی در توسعه حقوق محیط‌زیست ایفاء نکرده‌اند. آراء صادره از محاکم بین‌المللی، در موضوعات زیست‌محیطی کمک چندانی به توسعه حقوق محیط‌زیست ننموده است.

ث - از آن جایی که در بسیاری از موارد، ورود آسیب جدی به محیط‌زیست و اقداماتی که منجر به آلودگی یا تخریب غیر قابل جبران محیط‌زیست در سطح منطقه یا در سطح بین‌المللی می‌گردد، عمدتاً با مباشرت یا امریت یا هدایت و یا نهایتاً با مجوز یا تأیید دولت‌ها صورت می‌گیرد و فقط در برخی از موارد ممکن است نهادهای دولتی یا وابسته به دولت‌ها نقش چندانی در بروز معضلات زیست‌محیطی نداشته باشند. در نتیجه ارجاع این گونه اختلافات زیست‌محیطی به دیوان‌های داوری (که الزاماً باید با اقدام داوطلبانه و رضایت طرفین صورت گیرد) با مشکل مواجه می‌شود، لذا این مسأله چالش دیگری در حل اختلافات زیست‌محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی است. به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی ناشی از اقامه دعوی اشخاص را بر اثر آسیب‌های زیست‌محیطی نخواهد داشت و این امر صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوعات زیست‌محیطی را محدود می‌کند.

ج - یکی از چالش‌های دیگری که دیوان در رسیدگی به دعوی زیست‌محیطی با آن مواجه بوده و شاید این اشکال ناشی از ماهیت و طبیعت مسائل زیست‌محیطی باشد، موضوع اطاله دادرسی و طولانی شدن فرآیند دادرسی در مسائل زیست‌محیطی است. به این معنا که بر خلاف موضوعات دیگر از قبیل اختلافات تجاری یا امور مالی و بیمه، تشخیص صحت ادعاهای طرفین اختلاف و یا اثبات اسناد و مدارک ارائه شده به دیوان نیاز به زمان بیش‌تری دارد، به ویژه زمانی که دامنه تأثیرات مخرب فعالیت‌ها بر محیط‌زیست، وسیع و پایدار بوده و نیاز به ارزیابی پیچیده و دقیق‌تری داشته باشد.

چ - همواره در رسیدگی به دعاوی زیست محیطی در دادگاه‌ها چه در موضوعات ملی و یا بین المللی، آرای که از ناحیه شعب و دادگاه‌های تخصصی صادر می‌گردد، دقیق‌تر، عادلانه‌تر و کارآمدتر و قابل اجرا تر می‌باشد. چراکه دادرسان و قضات دادگاه‌ها از لحاظ تجربه، آموزش و تخصص از توانایی علمی و تجربی بالایی برای تحلیل موضوعات و صدور آراء دقیق برخوردارند. در ارتباط با اختلافات بین المللی و صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعاوی و اختلافات بین کشورها نیز این موضوع صادق است. بنابراین، وجود شعب یا دادگاه‌های ویژه تخصصی در زمینه مسائل زیست محیطی در دیوان می‌تواند منجر به صدور آراء مستند، دقیق و مستدل گردد.

ح - دیوان بین المللی دادگستری در موضوعات زیست محیطی می‌تواند نقش تفسیری ایفاء کند. دیوان به عنوان یک نهاد تجدید نظر در آرای زیست محیطی، عملاً می‌تواند حمایت خویش را از محیط زیست افزایش دهد. دیوان در ایفاء این نقش قادر است در هماهنگ سازی سیاست‌های زیست محیطی موجود در رویه قضایی بین المللی مشارکت کند. همچنین می‌تواند به نگرانی‌های موجود درباره نقض قوانین در نتیجه رویه‌های قضایی متناقض نهادهای مختلف پاسخ دهد. دیوان برای انجام این وظیفه می‌تواند منشور ملل متحد را در قضایای زیست محیطی به گونه‌ای تفسیر کند که از قبل اختیار تجدید نظر را به دیوان اعطا کرده است.

۵. رویه قضایی و ضرورت حفاظت از محیط زیست

کره زمین از ابتدای پیدایش خود تاکنون حوادث زیست محیطی بسیاری را تجربه کرده که بخشی از آن منشاء طبیعی و بخش عمده دیگر منشاء انسانی داشته است هرچند بخشی از این تخریب و آلودگیها ناشی از عدم آگاهی و اطلاع عموم نسبت به مسائل زیست محیطی است. لذا آموزش نقش حیاتی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط بازی می‌کند، به همین جهت در عرصه بین المللی موضوع آموزش محیط زیست مورد توجه واقع شده است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱: ۳۲۴)

۶. حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از آلودگی آن عبارت است از استفاده از فرایندها، روش‌های کاری، مواد یا محصولاتی که موجب اجتناب، کاهش یا کنترل آلودگی شوند که می‌تواند شامل بازگردانی (بازیافت)، تصفیه، تغییر فرایند، مکانیزم های کنترل،

استفاده بهینه از منابع و جایگزینی مواد باشد. آلودگی‌های وارد شده به محی طزیست به دو گروه قابل تجزیه (تند و کند) و غیر قابل تجزیه تقسیم بندی می‌شود. محیط زیست یکی از چالش‌هایی بوده که همواره زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است اما علی رغم فجایع زیست محیطی یک قرن اخیر، نمایانگر آن است که گر چه دسترسی انسان‌ها به تکنولوژی پیشرفته، زندگی را آسان کرده، اما استفاده نامناسب و بی رویه از آن، عوارض مرگباری را در پی داشته است. هر چند کره زمین از ابتدای پیدایش خود تاکنون حوادث زیست محیطی بسیاری را تجربه کرده که بخشی از آن منشاء طبیعی و بخش عمده دیگر منشاء انسانی داشته است هرچند بخشی از این تخریب و آلودگی‌ها ناشی از عدم آگاهی و اطلاع عموم نسبت به مسائل زیست محیطی است. لذا آموزش نقش حیاتی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط بازی می‌کند، به همین جهت در عرصه بین المللی موضوع آموزش محیط زیست مورد توجه واقع شده است بنابراین مهم‌ترین اصلی که در حفاظت از محیط زیست باید بدان توجه شود اصل مشارکت مردمی می‌باشد. آموزش زیست محیطی مردم نیز در جهت حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در همه شئون زندگی نهادینه شود این امر باعث می‌شود که افراد در یابند که توسعه اقتصادی اجتماعی و زندگی بهتر در گرو حفظ محیط زیست است. تشدید مشکلات زیست محیطی از سال ۱۹۷۰ میلادی، متخصصین سازمان ملل متحد را وادار کرد که فعالیت گسترده‌ای را با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی انجام دهند، بطوریکه ابتدا در سال ۱۹۷۲ کنفرانسی با عنوان «انسان و محیط زیست» در استکهلم سوئد و بعد در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل با عنوان «سران زمین» برپا گردید. اولین اصل بیانیه ریو چنین بود: «انسان محور اصلی توسعه پایدار و شایسته برخوردار از زندگی سالم، پر بار و هماهنگ با طبیعت است» و اصل ۲۵ این بیانیه به صراحت چنین می‌گوید: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست لازم و ملزوم. در راستای کمک به حفظ محیط زیست کنوانسیون‌های متعدد بین المللی از جمله کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن، کنوانسیون تغییرات آب و هوا و کنوانسیون بین المللی آمادگی، مقابله همکاری در برابر آلودگی نفتی. ... به اعضای اکثر ممالک دنیا رسیده است که تقریباً در تمامی آنها جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد. با همه این ضوابط بین المللی و تلاشهای دفتر برنامه ریزی محیط زیست ملل متحد (UNEP)، جهان نه تنها قادر به کاهش اثرات مخرب انسانی بر محیط زیست در چند سال گذشته نبوده است بلکه مسائل حاد جدیدی مانند آلودگی شدید جو، کاهش تنوع

سیاست‌های راهبردی در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر ... ۱۹۱

زیستی، تخریب لایه ازن، پدیده گلخانه‌ای گرم شدن کره زمین و بروز تغییرات جدی در سیستم‌های اقلیمی نیز به مشکلات پیشین افزوده شده است (فتوه چی، ۱۳۷۱: ۲۱). حفاظت از طبیعت می‌تواند از سه طریق زیر انجام شود. حمایت قانونی از انواع موجودات، حمایت قانونی از محل‌های ویژه، فضاها، حفاظتگاهها و ...

۷. شش اهرم برای عمل

۷-۱. قوانین

قانون مربوط به مؤسسات ناسالم یا خطرناک به سال ۱۹۱۷ برمی‌گردد. قوانین متعدد جالب توجه در زمینه‌های مختلف مربوط به محیط زیست پایه گذاری شده است، بویژه قوانین ۱۹۶۱ و ۱۹۸۰ در مورد آلودگی آب، ۱۹۷۵ در مورد فضولات، ۱۹۸۵ در مورد کوهستان، ۱۹۸۶ در مورد ساحل دریاها ۱۹۸۷ در مورد خطرهای جدی دیگر. اگر این قوانین به نحو احسن اجرا شوند و میان مجریان قوانین همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد، می‌توان تا حدودی به حفظ محیط زیست امیدوار بود.

۷-۲. انگیزه‌های اقتصادی یا مالیاتی

چهار نوع انگیزه اقتصادی مالیاتی به اجرا در آمده‌اند. وضع مالیاتی برای جریمه کردن کالا یا فعالیت‌هایی که برای محیط زیست نامساعد هستند، کاهش مالیات یا پرداخت سوبسید برای کالاهایی که از آلودگی محیط زیست می‌کاهند مانند بنزین بدون سرب و انگیزه‌های دیگر.

۷-۳. شهروندان و انجمن‌های فعال

دولت یا اجتماعات محلی ممکن است در وظیفه خود در حفاظت از محیط زیست اشتباه کنند. یا کم‌کاری کنند. بنابراین در صورت فقدان دولت قدرتمند شهروندان خودشان باید بسیج شوند تا بتوانند از محیط زیست حمایت کنند. آموزش محیط زیست: قوانین مالیات‌ها، نمی‌توانند شهروندان را مجبور به محترم شمردن محیط زیست کنند. مگر آنکه این احترام از طریق آموزش به آنها القا شود.

۷-۴. تحقیقات علمی

مسئله، فقدان اطمینانهای علمی، مسئولین سیاسی یا اقتصادی را از اتخاذ تصمیمها و از پیش بینی نامعلوم، معاف نمی‌کند. تحقیق علمی مربوط به محیط زیست بسیار ضعیف است. دو کشور متحده آمریکا و آلمان ۶۰ درصد از تحقیق جهانی در زمینه محیط زیست را به خود اختصاص می‌دهند. در سطح اروپا بسیاری از برنامه‌های جامعه اقتصادی در مورد محیط زیست است.

۷-۵. اقدام بین‌المللی

زمین یکی است اما جهان چنین نیست. این فرمول یادآوری می‌کند که بشر کشتی‌سوار است. اما به تعداد دولتها، کاپیتان وجود دارد. به لطف خدا، ضرورت همکاری بین‌المللی در آغاز قرن ۲۱، تشدید شده است. مراجع قضایی بین‌المللی - به خصوص دیوان بین‌المللی دادگستری - به عنوان معتبرترین نهادهای رسمی بررسی و تبیین قواعد حقوقی، عملکردشان همواره گنجینه‌ای ارزشمند در قلمرو شناسایی و احراز قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بوده است. اصطلاح رویه قضایی اگر بدون قید و به طور مطلق استعمال شود مقصود مجموع آرای قضایی است، ولی به معنی خاص خود در جایی به کار می‌رود که محاکم یا دسته‌ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله چندان تکرار شود که بتوان گفت هرگاه آن محاکم با دعوایی روبرو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت. رویه قضایی به همین معنی است که از منابع حقوق به شمار آمده است. (کدخدایی، زرنشان، ۱۳۹۲: ۶-۱۰)

۸. قضایای دربردارنده مفهوم حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست، در ابتدا مفهومی مضیق بود و بر پیامدهای خسارات فرامرزی تمرکز داشت و این مخالف ایده محیط زیست به عنوان میراث مشترک بین‌المللی بود که باید توسط تمام دولت‌ها حفظ گردد. ریشه این مفهوم در اصل به دو داوری مشهور بر می‌گردد، یعنی قضیه تریل اسملتر و قضیه دریاچه لانو. در قضیه تریل اسملتر دیوان داوری باید تصمیم می‌گرفت آیا کانادا مسوول خسارت وارده بر محصولات و اراضی ایالت واشنگتن امریکا ناشی از انتشار گاز دی‌اکسید سولفر ایجاد شده توسط کارخانه ذوب فلز است یا خیر. رأی دیوان داوری بدین گونه

سیاست‌های راهبردی در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر ... ۱۹۳

بود که بر اساس اصول حقوق بین الملل هیچ کشوری حق ندارد از سرزمین خود به شیوه‌ای استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را دهد که از طریق بخار (ایجاد شده توسط کارخانه ذوب فلز) به سرزمین یا اموال یا اشخاص دولت دیگر خسارت وارد کند (رأی ۱۹۴۱). در نتیجه دیوان کانادا را محکوم به جبران خسارت ایالات متحده نمود (Trail

(Smelter case (USA, Canada), 1938: 11

پانزده سال بعد در سال ۱۹۵۷ دادگاه دآوری دیگری در اختلاف راجع به خسارت فرامرزی بین فرانسه و اسپانیا در مورد استفاده از آب‌های دریاچه لانو، دوباره همین مفهوم مضیق حفاظت از محیط زیست را تأیید کرد. بدین ترتیب که با فرض پذیرش اصولی که کشور بالای رودخانه را از ایجاد تغییر در آب‌های رودخانه به گونه‌ای که به شدت موجب خسارت کشور پایین رودخانه می‌گردد، منع می‌کند. این اصول در پرونده حاضر جریان ندارد، زیرا پروژه فرانسه تغییری در آب‌های رودخانه کارول ایجاد نمی‌کند. این رأی نشان می‌دهد در آن زمان پذیرفته نبود که نفس محیط زیست به عنوان منبع مشترک، علت انحصاری حفاظت از محیط زیست است، بلکه محیط زیست در جایی حمایت می‌شود که از رفتار یک دولت به دولت دیگر خسارت وارد شود و بعید است از این دو پرونده استنباط کرد که محیط زیست دارای ارزش ذاتی برای حمایت و حفاظت است، چه خسارتی به دولت دیگر وارد شده باشد و یا بالعکس.

(Lake Lanoux case, 1957: 9)

در سال ۱۹۶۸، دیوان دآوری در قضیه سد گات نیز رای هم چون قضیه دریاچه لانو صادر کرد. بر این اساس که دولت کانادا متعهد گردید که مبالغی را به عنوان خسارت ناشی از سد گات به دولت آمریکا پرداخت نماید. هم چنین دیوان بیانیه‌ای مشترک برای حل و فصل اختلافات پیشنهاد نمود. در نهایت، رأی دآوری سد گات ادامه رویه‌های قضایی بین المللی است که دولت‌های آسیب زنده باید جبران خسارت نمایند و هرگونه ضرر و زیان ناشی از ساخت سد گات در طول دوره ساخت و بعد از

آن باید پرداخت شود. (Erades. L. 1996: 14)

رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو، با این که موضوع اختلاف مربوط به محیط زیست نبود (لکن اگر موضوع اختلاف مربوط به محیط زیست بود، همین نظر را ابراز می‌کرد) اما با عبارات کلی خود اصلی را که ابتدا قضیه تریل اسملتر آن را بیان داشت (مسئولیت در مورد خسارات زیست محیطی هنگامی است که به دولت دیگر خسارت وارد شود) تأیید کرد، یعنی برداشت مضیق. دیوان در استدلال این

که آلبانی تعهدات خود را مبنی بر تعهد به اطلاع رسانی از وجود منطقه مین گذاری شده و هشدار به ناوگان انگلیسی از خطر حتمی نقض کرده به هیچ مقرر معاهده‌ای استناد نکرد، ولی بیان داشت که این تعهدات بر مبنای حقوق لاهه ۱۹۰۷ نیست، بلکه بر مبنای اصولی است هم چون ملاحظات اولیه انسانی، اصل آزادی ارتباطات دریایی و هر دولتی متعهد است اجازه ندهد آگاهانه از سرزمین‌اش برای اعمال مخالف حقوق سایر دولت‌ها استفاده شود. (Corfu Channel Case, 1949: 19)

در قضیه بارسلونا تراکشن^[۲۱] ۱۹۷۰ دیوان بین المللی دادگستری اظهاری ماندگار در رأی خود داشت که اهمیت آن را در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست و حمایت از محیط زیست نمی‌توان نادیده گرفت: برخی تعهدات بین المللی دارای ماهیت ارگامنی هستند. یعنی تمام دولت‌ها (جامعه بین المللی) در رعایت و حمایت از آن تعهدات دارای نفع هستند. (Barcelona traction case, 1970: 6)

. در این پرونده نیز همانند قضیه کورفو دیوان به طور صریح به موضوعات محیط زیستی اشاره نداشت، اما پتانسیل چنین اظهاری برای توسعه مقررات و حمایت از محیط زیست، بدون توجه به اینکه دولتی خسارت دیده باشد، قابل چشم پوشی نیست.

یعنی یک دولت بر اساس تعهدات عام‌الشمول نمی‌تواند با اعمال خود موجب خسارت بر محیط زیست مناطق وراثت صلاحیت خود شود و به طور ضمنی دیوان این تحول را ایجاد نمود که تعهدات دولت‌ها نسبت به حمایت از محیط زیست، دارای وصف تعهد در مقابل کل جامعه بین المللی است.

اعلام این قاعده تا جایی که به حقوق بین الملل محیط زیست مربوط است، دو سال بعد اثر خود را در اعلامیه استکهلم راجع به محیط زیست بشر ۱۹۷۲ نمایان ساخت. زیرا اصل ۲۱ اعلامیه علاوه بر ذکر مسوولیت نسبت به خسارات وارده بر محیط زیست دولت دیگر، به خسارات وارده بر محیط زیست مناطق وراثت صلاحیت ملی نیز اشاره می‌کند. بر اساس اصل یاد شده خسارت به محیط زیست فی نفسه موجب مسوولیت است، هر چند به محیط زیست دولت دیگر خسارتی وارد نشده باشد (کیس، ۱۳۸۱: ۱۵۵) دیوان می‌توانست مفاد اصل ۲۱ را در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۷۴ گوشزد کند (یعنی مسوولیت دولت فرانسه علاوه بر خسارات وارده بر محیط زیست سرزمین‌های استرالیا و نیوزیلند، شامل خسارات وارده بر محیط زیست مناطق وراثت

صلاحیت ملی نیز می‌شد)، اما متأسفانه این پرونده به سازش خاتمه یافت و دیوان موفق به اظهار نظر ماهوی در این زمینه نشد.

۹. نتیجه‌گیری

برای مدتی طولانی کشورهای جهان مشغول بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعت می‌باشند، هدف نهائی از حفظ محیط زیست دستیابی به توسعه پایدار در قالب برنامه‌های اقتصادی هماهنگ با اصول حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و تهی‌سازی منابع تجدید شونده و غیر قابل تجدید می‌باشد و دوام حیات انسان و همه موجودات کره زمین، وابسته به حفظ تمام عناصر محیط زیست است. توسعه پایدار و حفظ محیط زیست می‌تواند حرکت امیدبخشی را برای آیندگان تضمین نماید و توسعه پایدار، تنها با حفاظت از محیط زیست امکانپذیر است و حفاظت از محیط زیست راهی برای بقای زندگی نسل‌های آینده است. بنابراین حفاظت از محیط زیست، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

به طور کلی می‌توان گفت که آلودگی محیط زیست از منابع گوناگون صورت می‌گیرد. با پیشرفت تمدن بشری و توسعه فن‌آوری و ازدیاد روز افزون جمعیت، در حال حاضر دنیا با مشکلی به نام آلودگی در هوا و زمین روبرو شده است که زندگی ساکنان کره زمین را تهدید می‌کند. بطوری که در هر کشور حفاظت محیط زیست مورد توجه جدی دولتمردان است. با وجود تلاش‌های فراوان در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای اجرای اصول و قواعد ناظر بر حمایت محیط زیست، تردیدی وجود ندارد که تخریب‌کنندگان محیط زیست، آزادانه و بدون احساس خطر از تعقیب مؤثر قضایی، در اکثر نقاط جهان به فعالیت خود مشغول بوده و فقدان ساز و کارهای بین‌المللی برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تخلفات زیست محیطی به نحو بارزی مشهود است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین معضلات حقوق بین‌الملل محیط زیست و از جمله نظام مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها، فقدان یک مرجع با صلاحیت خاص و ویژه در عرصه بین‌المللی می‌باشد. واقعیت امر این است که این حوزه از حقوق بین‌الملل، نیازمند یک نهاد مقتدر جهانی است که انگیزه حمایت از محیط زیست بین‌المللی را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم‌های کارآمد قضایی را در سطح جهانی افزایش دهد و بدین وسیله توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست را با صدور آراء و رویه‌های قضایی سودمند در زمینه محیط زیست و حفاظت از آن، بیش از

پیش هموار ساخته و توسعه روزافزون آن را تثبیت نماید. گرچه تعداد کمی از دعاوی بین المللی مطروحه در دیوان بین المللی دادگستری به موضوعات محیط زیست اختصاص دارد (بدیهی است عمده ترین اختلافات موجود به اختلافات تجاری بین دولت ها و مؤسسات اختصاص دارد) ولی با تحلیل همین تعداد از آراء صادر شده در حوزه موضوعات زیست محیطی می توان استنباط کرد که آراء دیوان بین المللی دادگستری به علت مواجهه با مسائل و موانعی با نگرش احتیاط آمیز صادر شده است. عمده این موانع حاکمیت دولت ها، چالش های سیاسی و اقتصادی نهفته در این گونه اختلافات است که دیوان را در اتخاذ مواضع قاطعانه تر در حمایت از محیط زیست با مشکل یا تردید مواجه می کند.

کتاب نامه

- حاجی شاه کرم، محسن (۱۳۹۱). *به سازی طبیعت و حفاظت از محیط زیست روستایی*، تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، بنیاد خواجه نصیر طوسی.
- دبیری، مینو (۱۳۷۵). *آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک، صوت)*. نشر اتحاد.
- رضائی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۱). «بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت ها و تنگناها»، فصلنامه *راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۵.
- فتوره چی، مهدی (۱۳۷۱). «بیانیه ریو درباره محیط زیست و توسعه». فصلنامه علمی *محیط زیست*. جلد ۴، شماره ۲، ویژه نامه ریو.
- کدخدایی، عباسعلی، زرنشان، شهرام (۱۳۹۲). «تحول رویکرد «رویه قضایی» بین المللی در فرایند شناسایی قواعد حقوق بین الملل عرفی»، *نشریه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۳، شماره ۱.
- کیس، الکساندر و همکاران (۱۳۸۱). *حقوق محیط زیست*، جلد دوم، چاپ اول، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیر، آرن (۱۳۸۰). *پسامدرنیسم و بحران زیست محیطی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر چشمه.

Erades. L. June (1969). "Gut Dam Arbitration", *Netherlands International Law Review*, Volume 16, Issue 02. Pp. 161-206

Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland-All'bania). 9 April 1949, *Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ)*. Available at: www.icj-cij.org.

سیاست‌های راهبردی در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر ... ۱۹۷

Legality of the use by a state of Nuclear Weapons in Armed Conflicts. 1996.

Advisory opinion. I. C. J. Reports. Available at: www.icj-cij.org.

Case Concerning Gabcikovo - Nagymaros Project (Hungary/ Slovakia). 25 September 1997. Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org

Case concerning Kasilili/Sedudu Island (Botswana v. Namibia). 13 December 1999. Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice(ICJ). Available at: www.icj-cij.org

Trail Smelter case (USA, Canada). 16 April 1938 and 11 March 1941, United Nations: Rports of international arbitral awards, Volume III.

Lake Lanoux case (Spain, France). 16 November 1957. United Nations, Reports of International Arbitral Avars, Volume XII.

Barcelona traction case(Belgium v. Spain). 5 february 1970. Light and power company. Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (ICJ). Available at: www.icj-cij.org.